

فرآیند تدقیق عنوان پژوهش مسئله-محور و بوم-خاست دکتری در ایران:

تعریف پژوهش پیرامون "خاطره جمعی" در شهر ایرانی

مهران علی‌الحسابی*، سیدعبدالهادی دانشپور**، مصطفی حسینی کومله***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۳

چکیده

شیوه انتخاب موضوع پژوهش دکتری تخصصی به‌ویژه در علوم انسانی و دانش‌های میان‌رشته‌ای نظیر معماری، برنامه‌ریزی و طراحی شهری همواره دغدغه پژوهشگران بوده است. باوجود منابع پراکنده روش‌شناختی، سرگردانی در طرح مسئله پژوهش به چشم می‌خورد و انتخاب موضوع عمدتاً با نگاه ترجمه‌ای به پیشینه علمی متعلق به بسترهای سرزمینی دیگر صورت می‌پذیرد. درنتیجه دیالکتیک عام و خاص پژوهش (آموختن علم به مفهوم جهان‌شمول و قرار دادن آن در ظرف محلی) و رعایت اصالت بومی در طرح موضوعات پژوهشی مورد کم‌توجهی قرار گرفته و اتخاذ مبنای روش‌شناختی که بتواند ضمن تضمین دیالکتیک عام و خاص، به شکل‌گیری پژوهشی بوم-خاست منجر شود، مغفول می‌ماند. پژوهش حاضر با هدف تبیین فرآیند تدقیق عنوان پژوهش دکتری با رویکرد مسئله-محور و با احترام به اصالت سرزمینی پژوهش انجام گردیده است. بدین منظور در این نوشتار، ضمن بررسی ماهیت پژوهش دکتری و مطالعه انواع پژوهش، به دیالکتیک عام و خاص پژوهش و ضرورت انجام پژوهش مسئله-محور و همچنین فرآیند شناسایی مسئله واجد ارزش پژوهشی پرداخته شده است. سرانجام، یک چارچوب روش‌شناختی پنج مرحله‌ای در انتخاب مسئله و تدقیق عنوان پژوهش دکتری پیشنهاد گردیده و مدل روش‌شناختی پیشنهادی، در انتخاب موضوع پژوهش دکتری شهرسازی پیرامون "خاطره جمعی" به کار گرفته شده است.

واژه‌های کلیدی: دکتری تخصصی، پژوهش مسئله-محور، پژوهش بوم-خاست، دیالکتیک عام و خاص پژوهش، تدقیق عنوان پژوهش

* alalhesabi@iust.ac.ir

* دانشیار شهرسازی دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

** daneshpour@iust.ac.ir

** دانشیار شهرسازی دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

*** mostafa_name@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

مقدمه

انتخاب موضوع پژوهش دکتری تخصصی همواره یکی از دغدغه‌های نامزدهای دکتری بوده است. سرگردانی در انتخاب موضوع، اتکا به سلیق و روش‌های تصادفی، پیشنهاد موضوع بر پایه پیشینه علمی غیر مرتبط با زمینه و در پی آن تعریف پژوهش‌های ترجمه‌ای از جمله مسائلی است که نظریه‌پردازی را به‌ویژه در حوزه علوم انسانی- رفتاری و دانش‌های میان‌رشته‌ای همچون معماری، طراحی و برنامه‌ریزی شهری با چالش مواجه ساخته و شکاف نظریه و عمل را در این حوزه‌ها عمیق‌تر می‌کند. همین توجه به شکاف میان نظریه‌پردازی و واقعیت‌های سرزمینی، ضرورت انجام این پژوهش و پژوهش‌های مشابه در زمینه روش‌شناسی مسئله‌یابی و انتخاب موضوع واجد ارزش پژوهشی در شرایط سرزمینی ایران را از یادآور می‌سازد. این ضرورت ناظر به دو وجه مشخص از چالش‌های بنیادین پژوهش علوم انسانی و دانش‌های میان‌رشته‌ای در ایران می‌باشد: نخست، وجود چارچوبی روش‌شناختی متناسب با زمینه فرهنگی-سرزمینی که بتوان از دریچه آن به تعریف مسائل واجد ارزش پژوهش پرداخت و دوم اصالت بومی و سرزمینی پژوهش‌هایی که تعریف می‌گردند.

با ذکر این مقدمه علیرغم وجود منابع پراکنده روش‌شناختی در زمینه مسئله‌یابی در ایران، مدلی روش‌شناختی در انتخاب موضوع رساله دکتری دانش‌های میان‌رشته‌ای با اتکا به مسائل سرزمینی تاکنون ارائه نگردیده است. حال آنکه یک ضرورت برای پژوهشگران به نظر می‌رسد. این پژوهش تلاش می‌کند تا ضمن جستجوی روش‌شناسی تعریف پژوهش بوم-خاص دکتری علوم انسانی و دانش‌های میان‌رشته‌ای نظیر برنامه‌ریزی شهری و معماری در ایران، به پژوهشگران دکتری این رشته‌ها چارچوبی روش‌شناختی در شناخت مسائل واجد ارزش پژوهش ارائه کند و شیوه‌ای برای انتخاب موضوع رساله‌های دکتری به‌منظور تضمین اصالت بومی و سرزمینی پژوهش معرفی نماید.

روش

پژوهش حاضر، با هدف دستیابی به یک مدل روش‌شناختی پیرامون شیوه انتخاب موضوع پژوهش دکتری در دانش‌های میان‌رشته‌ای به انجام می‌رسد. پژوهش، کیفی است و روش مورد استفاده در آن تحلیل محتوای کیفی مطالعات داخلی صورت پذیرفته پیرامون خاطرات جمعی و متون روش‌شناختی در زمینه پژوهش دکتری، پژوهش مسئله-محور و شیوه شناسایی مسائل واجد ارزش پژوهشی است. در این راستا، با توجه به ضرورت رعایت دیالکتیک عام و خاص و اصالت بومی پژوهش، لزوم اتکا به پژوهش مسئله-محور و شناسایی مسائل واقعی بستر سرزمینی ایران، مطالعه‌ای در زمینه شیوه احصای مسائل واجد ارزش پژوهشی به صورت کتابخانه‌ای و با تحلیل کیفی محتوای متون روش‌شناختی صورت پذیرفته و نتایج آن به صورت عینی در یک نمونه موردی انتخاب موضوع رساله دکتری مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

در راستای تدوین ساختار نظام‌مند تدقیق عنوان پژوهش، به متون روش‌شناختی پیرامون پژوهش مسئله-محور رجوع شده و سپس چارچوب روش‌شناختی پیشنهادی برای انتخاب موضوع پژوهش در ارتباط با مسائل سرزمینی، در یک نمونه موردی مشخص (تعریف پژوهش دکتری شهرسازی پیرامون "خاطره جمعی") به کار گرفته شده است. تحلیل محتوای متون روش‌شناختی برحسب ماهیت پژوهش، کیفی است و نمونه‌گیری متون برگزیده بر پایه راهبرد "نمونه‌گیری نظری"^۱ صورت پذیرفته است. بدین معنا که بر پایه طرح مسئله آغازگر پژوهش و ضرورت توجه به پژوهش مسئله-محور، متون مرتبط انتخاب گردیده و از این رهگذر راهبرد "زنجیره ارجاعات"^۲ نیز به کار گرفته شده است. بسندگی منابع مورد مطالعه نیز، بر پایه راهبرد "اشباع نظری"^۳ و دستیابی به الگوی نظری پاسخگو صورت پذیرفته است (مومنی‌راد، ۱۳۹۲؛ کرسول، ۱۳۹۱).

-
1. theoretical sampling
 2. snow balling
 3. saturation

پیشینه پژوهش

ماهیت پژوهش دکتری: دوره دکتری تخصصی (Ph.D: the doctor of philosophy degree)، برگرفته از دو واژه کلیدی doctor و philosophy است. doctor از دو واژه "docere" به معنای آموختن و "docerem" به معنای معلم و آموزگار برگرفته شده و در قرون وسطی به‌طور خاص به استاد دوره‌های آموزش عالی اطلاق می‌شده است (Lash, 1987: 93). فلسفه نیز از واژه لاتین philosophia به معنای اشتیاق به دانایی، خردورزی و حکمت برآمده است.

(<https://en.oxforddictionaries.com/definition/philosophy>).

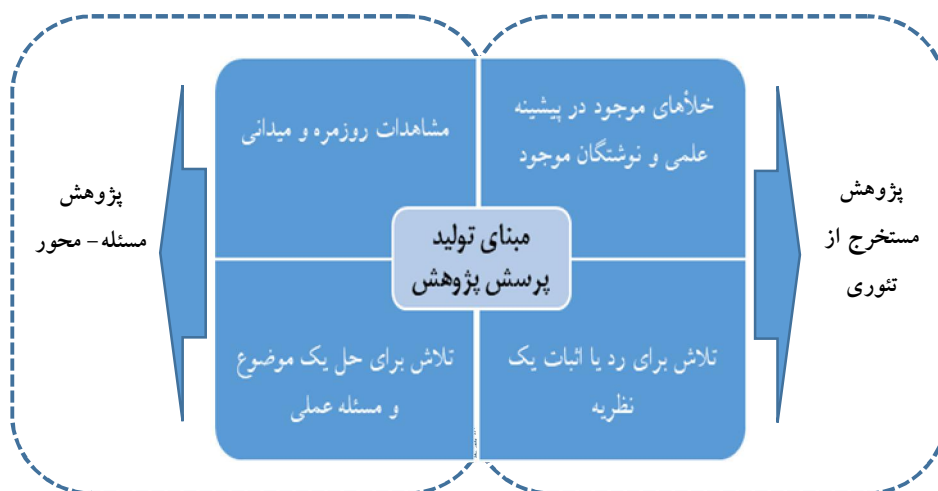
از این رو، با مقدمه پیش‌گفته دوره دکتری تخصصی را می‌توان دوره‌ای دانست که فرد با گذراندن آن می‌تواند حکیمانه به اجتهاد در حوزه دانشی خود پرداخته و در حیطه تخصصی خود صاحب‌نظر و دارای نظریه شود. به دیگر سخن، برنامه دکتری تخصصی (Ph.D) برنامه‌ای آموزشی-پژوهشی و متمرکز بر پرورش محقق آموزش‌دیده با تأکید بر ژرفای شناخت، توسعه ابزارهای ذهنی و ویژگی‌های فکری می‌باشد؛ به گونه‌ای که در نتیجه این برنامه، پژوهشگر بتواند فراتر از آموخته‌های پیشین خود، در فهم حوزه معرفتی انتخابی و در رشد و توسعه آن به استقلال برسد (Lancaster, 1982: 32 cited from Prior, 1965: 34-35).

انواع پژوهش (مسئله-محور یا مستخرج از تئوری): پژوهش‌ها گذشته از هدف غایی‌شان و فارغ از زمینه تخصصی پژوهش (علوم انسانی-اجتماعی یا علوم طبیعی-تجربی)، از حیث منبع تولید پرسش و شیوه انتخاب مسئله نیز قابل طبقه‌بندی هستند. در یک نگاه کلی به پژوهش‌های متفاوت و شیوه‌های رایج تعریف مسئله و انتخاب موضوع می‌توان دریافت که پرسش‌های آغازین پژوهش به‌طور کلی از چهار منبع نشأت می‌گیرند.

پرسش‌های پژوهش می‌توانند در نتیجه کندوکاوی در "خا‌های موجود در پیشینه علمی و نوشتگان موجود" به ذهن پژوهشگر متبادر یا در نتیجه "تلاش برای رد یا اثبات یک نظریه" طرح شوند. "مشاهدات روزمره و میدانی" دیگر منبع تولید پرسش‌های پژوهش هستند (Evans, 2007: 25-26). همین جستجو در میان مشاهدات شخصی ناشی از فعالیت‌های روزمره و مواجهه شخصی با موقعیت‌هایی که در آنها وضعیت موجود با وضعیت مطلوب فاصله دارد، مبنایی برای شکل‌گیری مسئله واجد ارزش پژوهشی است (Kerlinger & Lee, 2000; Ellis & Levy, 2008: 25) و از همین‌جاست که تلاش برای "حل یک مسئله عملی" به‌عنوان چهارمین منشأ تولید پرسش پژوهش مطرح می‌گردد (Evans, 2007: 25-26).

با نگاهی تحلیلی به این منابع چهارگانه می‌توان به یک طبقه‌بندی کلی‌تر در زمینه شیوه‌های انتخاب مسئله و تعریف موضوع پژوهش دست‌یافت. دو دسته نخست راه‌های تولید پرسش‌های پژوهش به‌گونه‌ای به مطالعه خا‌های موجود در پیشینه علمی موضوع عام مورد مطالعه اختصاص دارند. مطالعه خا‌های موجود، خواه با هدف غایی تولید یک نظریه جدید دنبال شود و خواه با هدف آزمون یک نظریه، می‌تواند منبع انتخاب موضوع پژوهش باشد. همچنین دو دسته دیگر را می‌توان در ارتباط با مسائل و چالش‌های قابل‌مشاهده در بستر مورد مطالعه ارزیابی کرد. به‌بیان‌دیگر مطابق نمودار ۱، پژوهش‌ها از حیث شیوه‌های انتخاب مسئله و تدقیق موضوع پژوهش، می‌توانند موضوع-محور و مستخرج از تئوری^۱ باشند و یا مسئله محور^۲ و مستخرج از چالش‌های موجود قابل‌مشاهده (Verran, 1997; Sternberg, 2007; Tracy, 2007; Malinski, 2004; Craig & Tracy, 1995).

-
1. theory-driven
 2. problem-based



نمودار ۱- چهار منبع تولید پرسش‌های پژوهش (برگرفته از: Evans, 2007)

دیالکتیک عام و خاص، اصالت سرزمینی و بومی پژوهش: بر پایه مطالب پیش‌گفته پژوهش می‌تواند مستخرج از تئوری یا مسئله-محور باشد. با توجه به تمرکز ویژه نوشتار حاضر بر پژوهش‌های میان‌دانشی حوزه علوم انسانی و علوم محیطی (برنامه‌ریزی شهری، معماری و مانند آن) در شرایط سرزمینی-فرهنگی ایران، این پرسش کلیدی مطرح می‌گردد که کدام روش می‌تواند مبنای مناسب‌تری برای انتخاب موضوع پژوهش دکتری باشد. در شرایطی که دانش از خاستگاه سرزمینی می‌جوشد، افتراقی میان نظریه و عمل نیست و مرز میان پژوهش مسئله-محور و پژوهش مستخرج از تئوری کم‌رنگ می‌شود.

بنابراین حتی اگر پرسش‌های پژوهش بر پایه خألهای موجود در پیشینه علمی و یا در تلاش برای رد یا اثبات یک نظریه تعریف شوند، این حفره‌های موجود در نوشتگان مرتبط یا نظریه‌های به آزمون گذاشته شده جدای از چالش‌ها و مسائل عملی موجود نبوده و از این رو، به‌سختی می‌توان یکی از دو رویکرد مسئله-محور یا مستخرج از تئوری را بر دیگری ترجیح داد. شرایط زمانی بغرنج می‌شود که ارتباط میان پژوهش

نظری و چالش‌های موجود، ضعیف و گسستگی باشد. آموزش به مفهوم مدرن، پژوهش نظری نوین و دوره آموزشی-پژوهشی دکتری تخصصی در ایران، محصول مواجهه انسان ایرانی با تجدیدی است که از بستر سرزمینی مغرب زمین و در نتیجه یک فرآیند تاریخی از دگرگونی‌های علمی، فکری، فرهنگی و معیشتی زاییده شده است.

اعزام نخستین دانشجویان به فرنگ توسط عباس میرزا (clawson & Rubin, 2005: 34)، تأسیس دارالفنون به ابتکار امیرکبیر با ورود اساتید اتریشی، تأسیس وزارت علوم توسط ناصرالدین شاه (تکمیل همایون، ۱۳۸۵: ۵۳) و تشکیل اداره معارف در وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه بر پایه قانون مصوب مجلس دوم شورای ملی با هدف نظارت بر آموزش عالی و اعزام دانشجو به فرنگ (فراستخواه، ۱۳۹۶: ۲۱۹) گواهی بر این مدعاست. شاید به همین دلیل تاریخی است که امروزه در علوم انسانی-اجتماعی و دانش‌های میان‌رشته‌ای، طرح موضوعات نظری عمدتاً از چارچوب نگاه ترجمه‌ای به متون غربی صورت می‌پذیرد. حال آنکه مدل‌های نظری که مورد گرت‌برداری قرار می‌گیرند، متناسب با مسائلی هستند که در بستر فرهنگی-اجتماعی خود معنادار بوده و روایی آنها در سایر زمینه‌های فرهنگی با پرسشی جدی مواجه است.

در اینجا، مقصود فراستخواه در کنار دانشگاه‌پژوهی و مطالعه بر روی آموزش عالی نوین در ایران، با طرح مفهوم "دانش بومی"، به مقایسه سه گذرگاه معرفتی در این زمینه می‌پردازد. گذرگاه نخست بر ضرورت متناسب‌سازی کارکردهای آموزشی و پژوهشی دانشگاه ایرانی با زمینه‌ها و مسئله‌های فرهنگ و جامعه ایرانی و به عبارت دیگر تناسب علم و دانشگاه با یک موقعیت خاص و محلی تأکید دارد. گذرگاه دوم دربرگیرنده موج اسلامی‌سازی علم و هژمونی ایدئولوژی‌های مذهبی و پروژه‌های سیاسی علم بر دانشگاه است و سرانجام، تبدیل شدن هرگونه بحث از "دانش بومی" به یک تابو و فویبای شبه مدرن و شبه پوزیتیویستی نمایانگر گذرگاه معرفتی سوم می‌باشد.

از دید فراستخواه، گذرگاه نخست از اواخر دوره پهلوی در مواجهه با الگوی نوسازی دولتی و غرب‌گرایانه از بالا، از سوی برخی دانشگاهیان به میان آمده و دست‌کم از سه رویکرد مشروب می‌شود: رویکرد نخست، بومی‌گرایی در علوم اجتماعی و توسعه، رویکرد دوم سنت‌گرایی و رویکرد سوم پسانوگرایی. تلاش‌های احمد اشرف، داریوش آشوری و دیگران در دهه ۴۰ برای نهادی شدن دانش نوین جامعه‌شناسی با روش‌های متناسب با جامعه ایران و مسائل آن و نقد وضع علم و توسعه در مدرنیته غربی توسط نراقی در دهه ۵۰، نمونه‌هایی از رویکرد نخست به شمار می‌روند.

سید حسین نصر مورد مثالی از رویکرد سنت‌گرا و رضا داوری نیز نمونه‌ای از رویکرد پسانوگرایی است. فراستخواه بر این باور است که گفتارهای بومی‌گرایانه در علم از سوی دانشگاهیان یادشده در دهه ۴۰ و ۵۰ در راستای آویختن علم از سنت و یا ملتزم کردن علم به لوازم بومی در ایران، به علت عدم امتزاج ارگانیک علم مدرن و مقتضیات بومی، فقر مفهوم‌سازی، فقر نظریه‌پردازی و فقر زمینه‌کاوی، برای جامعه ایران به هزینه بالایی تمام شد و دو گذرگاه دوم و سوم را در پی داشت. از سویی پروژه اسلامی‌سازی علم و دانشگاه را با نگاهی سیاسی، شعارگونه و ایدئولوژیک رقم زد و از سوی دیگر بام، موجب سوءظن و بی‌اعتمادی به بومی شدن علم در محیط‌های روشنفکری و دانشگاهی گردید (فراستخواه، ۱۳۸۸: ۹۸-۱۰۱).

نگاه فرا تحلیلی و نقادانه فراستخواه در نوع خود کم‌نظیر است؛ اما به نظر می‌رسد که در دهه‌های اخیر دست‌کم دو جریان فکری تلاش کرده‌اند نگاهی دیگرگونه به نظریه‌پردازی یا دانش بومی در ایران داشته باشند: جریان اندیشه ایرانی‌شهری و نظریه "دیالکتیک عام و خاص پژوهش" توسط پرویز پیران و جریان مردم‌نگاری دانش‌های بومی ایران توسط مرتضی فرهادی و نشریه "دانش‌های بومی ایران" که پژوهش‌های پیرامون این جریان را منتشر می‌کند.

در این زمینه پرویز پیران دیدگاه خود را با عنوان لزوم توجه به دیالکتیک عام و خاص در عرصه علوم انسانی ایران (به مفهوم آموختن دانش عام جهانی و قرار دادن آن در ظرف محلی‌اش) صورت‌بندی کرده است. او بر این باور است که تا زمانی که در ایران دیالکتیک عام و خاص مورد توجه قرار نگیرد، علوم انسانی به معنای عام آن یعنی جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حتی دانش‌های میان‌رشته‌ای [نظیر برنامه‌ریزی و طراحی شهری] تولد پیدا نمی‌کند؛ و متعاقباً غالب تولیدات نظری در این عرصه، از شالوده قوی برخوردار نبوده و چندان قابل‌اتکا نخواهد بود. در واقع به دیگر سخن، این علوم همچون کالاهای مصرفی دیگر از مبدأ وارد شده و نسنجیده، بازتولید شده است؛ و به همین دلیل جای قابل‌اعتنایی در دنیای علم پیدا نمی‌کند (پیران، ۱۳۹۵).

در زمینه مواجهه جامعه ایرانی با مدرنیته، پرویز پیران با نگاهی تمثیلی، جامعه ایرانی را به‌مثابه انسانی تصور می‌کند که چهارصد سال پیش (پس از شکوفایی صفویه) پتکی به سرش اصابت و او را بیهوش کرده و در طول دو‌یست سال از این بیهوشی، در اطراف او دگرگونی‌های بنیان‌کنی رخ داده و جهانی نو خلق شده است. لحظاتی که علائمی از هوشیاری در این انسان به‌خواب‌رفته پدید می‌آید (حدود ۱۵۰ سال پیش و در دوران تحولات مشروطه)، او خوابی به زبان بیگانه می‌بیند. هنگام به هوش آمدن، این خواب را گسسته به یاد می‌آورد، اما فریفته‌اش می‌شود و در بیداری می‌کوشد از طریق کتاب لغت این خواب را معنا کند. پیران این تمثیل را ماجرای مدرنیته و نشانگر افول علوم انسانی در این سرزمین می‌داند.

گنگ خواب‌دیده در تعبیر آن خواب، معنایی و مطابق با زمینه فرهنگی عمل نمی‌کند، بلکه از کتاب لغت استفاده می‌کند. چون خواب بریده‌بریده، به‌صورت تحت‌اللفظی ترجمه‌شده، تعبیر به‌دست‌آمده تبدیل به شیر بی‌یال و دم و اشکمی می‌شود و همچون فیلی در تاریکی، بخش‌های مختلفی از خود را به فریفتگان می‌نمایاند. تعبیر خواب به محل نزاع بدل شده و گروه‌های گوناگون هر یک به ظن خود، یار رؤیای تجدد می‌شوند (پیران، ۱۳۹۵). از دید پیران، جامعه ایرانی، تا پیش از مواجهه‌اش با

مدرنیته، به دیالکتیک عام و خاص در حوزه دانش و معرفت توجه داشته و قادر بوده پس از آموختن دانش به مفهوم جهانی، آن را با مبانی فکری-زیستی خودسازگار نموده و از آن به دانش خاص سرزمین خود دست یابد. اما مواجهه‌اش به مثابه یک گنگ خواب‌دیده، این توجه دیالکتیکی را از میان برده است.

مرتضی فرهادی، با بیانی دیگر به این موضوع پرداخته است و ضمن انتقاد از تأثیر "مکتب نوسازی متقدم" بر حوزه‌های دانشی و صنعتی ایران‌زمین و ورود توسعه به شیوه‌ای برون‌زاد در تقابل با سنت‌های این سرزمین، به رسم یکسان‌نگری حاکم بر مدرنیته متقدم اروپا محور، از ضرورت بنا شدن صنعت بر بنیادهای سنت سخن می‌گوید و لزوم دستیابی به توسعه بوم-زاد و مبتنی بر پایه‌های سنت را مطرح می‌کند (فرهادی، ۱۳۹۷). فرهادی با اشاره به مقاومت و عدم اعتماد به نفس جامعه علمی در برابر این نگاه نقادانه و بوم-خاست یادآور می‌سازد که:

"ما در شرایط اضطراری فعلی به شاعر و مستندساز خاکی، به مردم‌شناس و اقتصاددان و روان‌شناس اجتماعی خاکی و ریشه در خاک این سرزمین نیازمندیم و بالاخره فیلسوف خاکی که سخنان این خاکیان وطن را بخواند و بر دیده نهد و بسیار متواضعانه بر خاک وطن و سرزمین سوخته خود... گام بردارد و بداند که بدون خواندن تاریخ‌نگاری و مردم‌نگاری‌ها و جامعه‌نگاری‌ها و اقتصادنگاری‌ها و سیاست‌نگاری‌های کمیاب کشور خود و کشورهای نظیر و صرفاً پرداختن به مباحث و دغدغه‌های فلسفه غرب و دانش شرق‌شناسانه و اروپامحورانه آنان دردی از ستمدیدگان کشورهای مستعمره و نیمه-مستعمره دیروز و امروز، درمان نخواهد شد. همچنان که تا امروز نشده است... (همان، ۶۷-۶۸)"

او نیز همچون پیران بر این باور است که علوم اجتماعی ما آستن پرسش‌های بنیادی بوم-خاست نیست و در نتیجه، گویی در حالت بی‌وزنی و آزاد از کشش‌های واقعیت‌های پرژفای اجتماعی است (سالمی قمصری، ۱۳۹۸؛ فرهادی، ۱۳۹۷). علاوه بر ضرورت درون‌زاد بودن پرسش‌ها و بوم-خاست بودن توسعه، فرهادی به لزوم تأسیس

رشته‌های جدید دانشگاهی متناسب با چالش‌های سرزمینی (مانند انسان‌شناسی توسعه در ایران) اشاره (فرهادی، ۱۳۹۷: ۳۴) و در مقاله‌ای از مردم‌نگاری دانش‌ها و فناوری‌های سنتی به‌عنوان "نان شب" مردم‌نگاران ایران یاد می‌کند (فرهادی، ۱۳۹۳). او در جایی دیگر، به دانش‌های بومی میان‌رشته‌ای ایرانی اشاره کرده و از رشته‌ای چون "گیاه-مردم‌شناسی" و به تعبیر شاعرانه‌اش "گل‌خوشناسی" و یا به تعبیر فکوهی "مردم‌شناسی گیاهی" نام می‌برد. رشته‌ای که بایسته است بر راه آزموده چند هزارساله ساکنان این مرزوبوم در ارتباط با گیاهان خوراکی و دارویی و شناخت ژرف رفتار گونه‌های گیاهی تمرکز کند (فرهادی، ۱۳۹۲؛ فکوهی، ۱۳۸۵).

با وجود مشابهت‌هایی در تفکر پیران و فرهادی در بیان اهمیت و جایگاه توجه به "سنت" و ویژگی‌های بومی و سرزمینی در شکل‌گیری علم و پژوهش به مفهوم درون-زا و بوم-زادش، تفاوت‌های ظریفی در نگاه این دو اندیشمند به دانش‌های بومی و پژوهش‌های بوم-خاست به چشم می‌خورد. توجه به دیالکتیک عام و خاص پژوهش و گفتگوی دیالکتیکی میان علم به مفهوم جهان‌شمولش و پژوهش مکان‌مند، زمینه‌گرا و بومی، مشخصه بارز تفکر پیران است. او گفتگوی میان شرق و غرب و تبادل اندیشه در این دو ساحت سرزمینی را در دوره‌های گوناگون تاریخی ردیابی می‌کند.

مراجعه به متون فلسفی و علمی غربی و آثار کلاسیک یونانی در دوره طلایی ایران پس از اسلام (به‌ویژه سده‌های ۴ و ۵ هجری) توسط اندیشمندان بزرگی همچون خوارزمی، پور سینا، بیرونی، خیام و خواجه نصیر، امتزاج دیالکتیکی و ارگانیک اندیشه خردگرای غربی (حکمت مشائی) و اندیشه اشراقی (حکمت خسروانی) در حکمت متعالیه ملاصدرا از یک‌سو و بهره‌گیری از دانش متفکران ایرانی در دوره‌های پایانی قرون وسطی توسط اروپاییان از دیگر سو، از مصادیق این گفتگوی دیالکتیکی هستند. او با انتقاد از پژوهش‌های ترجمه‌ای و سیطره نگاه غربی به پژوهش‌های علوم انسانی در ایران بر اهمیت شکل‌گیری پژوهش‌های واجد اصالت سرزمینی تأکید می‌ورزد.

به‌عنوان مثال در حوزه پژوهش شهرشناسی، ضمن انتقاد از تأثیرپذیری متفکران ایرانی از آثار مستشرقین در زمینه شهر ایرانی و همچنین تأثیر اندیشه‌های چپ‌گرایانه در تحلیل تاریخ شهر ایرانی بر پایه ترجمه نادرست و ناقص اندیشه‌های مارکس و اصرار بر صورت‌بندی تاریخ شهر در ایران در قالب نظریه تاریخ مارکس، مفاهیمی همچون "تقابل مفهوم شهر/روستا"، "فئودالیسم" و شکل‌گیری ساختار طبقاتی در جامعه ایرانی را به چالش کشیده و با اتکا به تحلیل محتوای متون تاریخی و سفرنامه‌های ایران و مطالعه تاریخی-جامعه‌شناختی مؤلفه‌های سرزمینی، نظریاتی همچون "نظریه آبادی جانشین نظریه شهر" و "امنیت: راهبرد و سیاست سرزمینی در ایران" را به‌منظور تحلیل تاریخ شهر در ایران مطرح می‌سازد و از این نظریات به‌عنوان نظریات آغازین و پایه شکل‌گیری پژوهش اصیل شهرشناسی در ایران یاد می‌کند (پیران، الف ۱۳۸۴؛ پیران، ب ۱۳۸۴؛ پیران، ج ۱۳۸۴).

از سوی دیگر، تفکرات فرهادی عمدتاً بر پایه نگاه ژرفی به دانش‌های بومی در ایران شکل‌گرفته است. دانش‌هایی که همچون "نهال گردوی ایرانی" در پس قرون و اعصار، انباشت تجارب و انتقال سینه‌به‌سینه به بار نشسته و اعجاز می‌آفرینند. او با دسته‌بندی دانشگران (اهل علم) به دو گروه اقلیت دانش‌وران (دانش‌ورزان) و اکثریت دانش‌بران (از برکنندگان دانش)، به نقد دسته دوم که شارحان صرف زمانه خویش و اندیشه غربی هستند، پرداخته و با این نگرش نقادانه به دانش‌ورانی اشاره می‌کند که به درجه‌ای از اجتهاد رسیده و گام‌هایی هرچند خرد به دانش بشری افزوده‌اند. او به ایده "صنعت بر فراز سنت" اشاره ظریفی دارد و متفاوت از دیدگاه دیالکتیکی پیران در گفتگوی میان علم به مفهوم جهان‌شمول و تفسیر آن در بستری محلی و استوار بر نقد موانع توسعه در تاریخ ایران می‌باشد، اتکا به انگاره‌های فرهنگی و سنت پویای ایرانی را با بهره‌گیری از تجارب توسعه‌ه‌اندیان به‌عنوان "پسرعموهای خلف ما" و نگاهی درس‌آموزانه به توسعه در ژاپن و چین به‌عنوان کشورهای توسعه‌یافته واجد اشتراکات فرهنگی با بستر سرزمینی ایران، مطرح می‌سازد (فرهادی، ۱۳۹۷).

توجه فرهادی به توسعه بر مبنای سنت، مردم‌نگاری دانش‌های بومی را همچون "نان شب" به پژوهشگران ایرانی یادآور می‌سازد و تأکید پیران بر لزوم توجه به دیالکتیک عام و خاص، ضرورت توجه به اصالت سرزمینی پژوهش را در پی داشته و انجام پژوهش مسئله-محور را در شرایطی که توجه بیش از اندازه به پیشینه علمی، نوعی نگاه ترجمه‌ای به پژوهش را رقم زده، بر انجام پژوهش مستخرج از تئوری‌های خارج از بستر سرزمینی ایران مرجح می‌سازد (جدول ۱). در این پژوهش، از این دو نگاه در عین تفاوت‌های ظریف، توجه به پژوهش بوم-خاست و مسئله-محور بر پایه چالش‌ها و واقعیت‌های سرزمینی و یافته‌های بومی ایران مستفاد گردیده و مبنای تدوین چارچوب نظری پیشنهادی قرار می‌گیرد.

جدول ۱- چالش‌های پژوهش در علوم انسانی و علوم میان‌رشته‌ای در ایران، بیان ضرورت‌ها و پیشنهادها

صاحب‌نظران	دیدگاه‌های انتقادی	بیان ضرورت‌ها و پیشنهادها
پرویز پیران	✓ تأثیر مواجهه با تجدد بر از میان رفتن دیالکتیک عام و خاص علم و پژوهش ✓ عدم تولد مدرنیته به مفهوم درون‌زادش در ایران ✓ عدم شکل‌گیری نظریه‌پردازی و پژوهش واجد اصالت بومی در علوم انسانی و علوم میان‌رشته‌ای در ایران	✓ بازیابی دیالکتیک عام و خاص در پژوهش ✓ لزوم شکل‌گیری اندیشه ایرانی‌سازی و اتکا به مؤلفه‌های سرزمینی در نظریه‌پردازی
مرتضی فرهادی	✓ تأثیر "مکتب نوسازی متقدم" بر حوزه‌های دانشی و صنعتی ✓ ورود توسعه به شیوه‌ای برون‌زاد و در تقابل با سنت‌های این سرزمین	✓ بنا کردن صنعت بر بنیادهای سنت ✓ مردم‌نگاری دانش‌ها و فناوری‌های سنتی، "نان شب" مردم‌نگاران

<p>✓ تمرکز بر پژوهش بوم-زاد یا بوم- خاست ✓ ضرورت توجه به اصالت بومی و سرزمینی پژوهش ✓ پیشنهاد مدلی روش‌شناختی در انتخاب مسئله واجد ارزش پژوهش و تعریف موضوع بوم-خاست پژوهش دکتری میان‌رشته‌ای</p>	<p>✓ شکل‌گیری نگاه ترجمه‌ای به پژوهش ✓ سرگردانی در انتخاب مسئله، تدوین پرسش‌ها و انتخاب موضوع ✓ طرح مسائل عاریه‌ای و در پی آن پیشنهاد راهکارهای عاریه‌ای غیرمنطبق با زمینه فرهنگی</p>	<p>جمع‌بندی و نتیجه‌گیری</p>
---	---	----------------------------------

نمونه موردی (اصالت سرزمینی پژوهش‌های مرتبط با خاطره جمعی در شهر ایرانی): در بخش پیشین عدم رعایت دیالکتیک عام و خاص پژوهش در حوزه علوم انسانی و دانش‌های میان‌رشته‌ای همچون مطالعات و برنامه‌ریزی شهری، معماری و نظایر آن به تفصیل مورد بحث قرار گرفت. در اینجا به منظور ملموس شدن بحث‌های انتزاعی فوق‌الذکر، به عنوان یک نمونه موردی، نوشتگان مرتبط با خاطره جمعی در شهر ایرانی و پژوهش‌های داخلی به انجام رسیده پیرامون آن، مورد تحلیل قرار گرفته است. در این راستا، به منظور ارزیابی اصالت بومی پژوهش‌های یادشده و ارتباط آنها با چالش‌های خاطره جمعی در ایران، تحلیل محتوای کیفی این پژوهش‌ها از طریق بررسی و تحلیل محتوای آنها (با تأکید بر بیان مسئله، هدف و دستاوردهای پژوهش) صورت می‌پذیرد. علیرغم سابقه حدوداً صدساله طرح موضوع خاطره جمعی در پژوهش‌های جهانی، پژوهش‌های انجام‌شده در ایران در این زمینه انگشت‌شمارند (حبیبی، ۱۳۷۸؛ حسینی کومله و ستوده علمباز، ۱۳۹۲؛ Hosseini Koumleh & Sotoudeh Alambaz, 2009؛ میرمقتدایی، ۱۳۸۸؛ حسینی میان‌رودی و دیگران، ۱۳۹۶ و Lak & Hakimian, 2019).

حبیبی در نوشتار خود روایتی قصه گونه از فضای شهری به عنوان مکان شکل گیری حیات واقعه ای و انباشت خاطره های فردی و اجتماعی دارد. این نوشتار با ساختار توصیفی-تمثیلی خود، به صورت تلویحی به مسئله آشنایی زدایی از شهر و مکان و نابودی مکان مادی تبلور خاطره جمعی اشاره می کند. هرچند این اشاره کلی است و در ادامه مقاله به روشنی مورد بحث قرار نمی گیرد. از این رو نوشتار در سطح عام مفهوم خاطره باقی مانده و به حسب ماهیتش، به ملاحظات خاص سرزمینی نمی پردازد (حبیبی، ۱۳۷۸).

حسینی کومله و ستوده علمباز در مقاله ای با اشاره به امکان بهره گیری از خاطره در باززنده سازی شهری به عنوان مسئله پژوهش، از "انسجام اجتماعی"، "حس تعلق" و "حس مکان" به عنوان کارکردهای اجتماعی خاطره یاد کرده و بر نقش خاطره جمعی از طریق این کارکردها در باززنده سازی شهری تأکید می کنند (حسینی کومله و ستوده علمباز، ۱۳۹۲). هرچند در این پژوهش، به واسطه تمرکز بر مطالعه موردی ناحیه تاریخی لاهیجان، تلاش بر این بوده که به ویژگی های بومی خاطره پرداخته شود، با این وجود، چارچوب نظری مقاله مبتنی بر ویژگی های اثباتی خاطره و منبعث از تئوری های فرا بومی است.

در مقاله ای دیگر به کندوکاوی نظری در زمینه روش ها و تکنیک های به کارگیری خاطره جمعی در راستای ارتقای پایداری اماکن شهری به عنوان یک مسئله عملی پرداخته و بر "حفاظت" و "بازنمایی" به عنوان دو رویکرد اصلی تأکید می ورزند (Hosseini Koumleh & Sotoudeh Alambaz, 2009). اتکا به پژوهش های نظری و تجارب عملی بین المللی در این مقاله چشمگیر است و در شناسایی تکنیک های بازنمایی خاطرات اختصاص به بستر سرزمینی ایران روشن نیست. میرمقتدایی نیز در پژوهش خود، بدون اشاره به مسئله ای مشخص در زمینه خاطره جمعی، هدف مقاله خود را شناخت مفهوم خاطرات جمعی و چگونگی تبلور آن در فضاهای عمومی شهر عنوان کرده و به دنبال یافتن معیارهای کالبدی و اجتماعی تأثیرگذار در شکل گیری

خاطرات جمعی در شهر است. او معیارهای یادشده را به دو دسته "امکان شکل‌گیری رویدادها و تعاملات اجتماعی" و "امکان ثبت و انتقال خاطره و تاریخ شهر" با تمرکز بر ساختارهای اجتماعی-سیاسی و فضایی-کالبدی تفکیک می‌نماید. در این نوشتار، تأکید بر ویژگی‌های اثباتی خاطره جمعی بوده و ارتباط معیارهای موردنظر با مسائل سرزمینی ایران به‌روشنی مشخص نیست (میرمقتدایی، ۱۳۸۸).

همچنین حسنی میان‌رودی و همکاران ضمن اشاره به ویژگی‌های فضاهای شهری و ارتباط آن با تعاملات اجتماعی، هویت و خاطره، با ارجاع به رولان بارت و اهمیت به‌کارگیری نمادها، هدف مقاله را کشف مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری حس خاطره جمعی و ارائه الگوی نشانه‌شناختی بازیابی خاطره‌انگیزی فضاهای شهری با تمرکز بر میدان حسن‌آباد دانسته و سامانه‌ای از نشانه‌ها را با هدف سنجش میزان خاطره‌انگیزی این میدان ارائه نموده‌اند. این پژوهش نیز با وجود تمرکز بر یک فضای شهری خاص و خاطره‌انگیزی آن، به علت توجه به مبانی نظری جهان‌شمول، هم در طرح مسئله و هم طراحی نظام نشانه‌ای از نگاه ژرف‌نگرانه بوم-خاست فاصله دارد؛ میزان خاطره‌انگیزی می‌تواند ریشه‌های مکان‌مندتری داشته باشد (حسنی میان‌رودی و دیگران، ۱۳۹۶).

لک و حکیمیان نیز در مطالعه‌ای مشابه با هدف پیشنهاد مدلی نظری بازتولید ویژگی‌های خاطره جمعی در فضاهای شهری تاریخی کوشیده‌اند، ضمن بازکاوی مفهوم خاطره در نوشتگان مرتبط با مطالعه‌ای بر روی نمونه آماری محدودی از اهالی محله و میدان بهارستان تهران، ابعاد ذهنی و عینی خاطره جمعی و مؤلفه‌های بازتولید خاطره را شناسایی کنند (Lak & Hakimian, 2019).

نگاه فرا تحلیلی به این پژوهش‌ها بیانگر تمرکز ویژه آنها بر شناخت مفهوم خاطره جمعی و شیوه‌های به‌کارگیری آنها در شهر، معیارهای سنجش و شکل‌گیری خاطرات، پیامدهای مهم خاطرات جمعی در باززنده‌سازی شهری و عموماً متکی بر ویژگی‌های اثباتی خاطره جمعی می‌باشند. به‌عبارت‌دیگر، در زمینه چیستی خاطره آن‌گونه که هست، پژوهش‌های محدودی صورت گرفته که البته با اتکا به مطالعه ژرف‌نگرانه

خاطره جمعی در جوامع محلی نیازمند تدقیق و تعمیق است این در حالی است که چالش‌های خاطره جمعی در شهر ایرانی، موانع پیش روی خاطره و عوامل فراموشی جمعی آن، وضعیت خاطره در دوران معاصر آن‌گونه که باید و شاید، مورد توجه و تمرکز پژوهشی قرار نگرفته است. از این منظر تلاش برای برشماری چالش‌های مرتبط با خاطره جمعی و خاطره‌زدایی در شهرهای ایرانی، می‌تواند گامی آغازین برای تعریف پژوهش‌های واجد اصالت سرزمینی به شمار آید.

یافته‌ها

۱- تدوین یک چارچوب نظری در انتخاب مسئله و تدقیق عنوان پژوهش‌های

دکتری

مطابق طبقه‌بندی پیش‌گفته در انواع پژوهش، موضوع و عنوان پژوهش می‌تواند بر پایه دو رویکرد پژوهش مسئله-محور و پژوهش مستخرج از تئوری انتخاب‌شده و تدقیق گردد. در پژوهش مستخرج از تئوری، موضوع پژوهش با جستجوی میان خلأهای موجود در پیشینه علمی، با هدف یافتن مرزهای دانش و به‌منظور افزودن به گستره علم انتخاب می‌گردد. این پژوهش‌ها گاه در راستای آزمون یک نظریه و گاه در جهت تولید نظریه به انجام می‌رسند. بر پایه مباحث فوق‌الذکر، به‌منظور رعایت اصالت بومی پژوهش، در این نوشتار، ضرورت انجام پژوهش مسئله-محور در شرایط سرزمینی ایران پیشنهاد گردیده است. بدین منظور، تحلیل محتوای متون روش‌شناختی پیرامون پژوهش مسئله-محور در دستور کار قرار گرفته و مبنای تدوین مدل پیشنهادی قرار گرفته است.

فرآیند انتخاب مسئله واجد ارزش پژوهش در پژوهش مسئله-محور: در

پژوهش مسئله-محور، انتخاب موضوع پژوهش بر پایه چالش‌ها و مسائل صورت می‌پذیرد. بنابراین برشماری مسائل واجد ارزش پژوهشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود؛ به‌گونه‌ای که گاه از مسئله‌یابی به‌عنوان آغازگر پژوهش یاد شده است (حیدری،

۱۳۹۴: ۱۶۰). عمده متون مرتبط با روش تحقیق، برحسب نوع و ماهیت پژوهش به‌گونه‌ای به مسئله‌یابی پرداخته و به منابع پراکنده‌ای همچون کنجکاوی، تجارب شخصی، مطالعه آثار مکتوب، منابع شخصی و درخواست متقاضیان تحقیق برای مسئله‌یابی اشاره نموده‌اند (حافظنیا، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۷). اما به‌منظور حصول اطمینان از ارزش پژوهشی و اصالت سرزمینی مسائل، بر پایه مطالعه هدفمند و با اتخاذ راهبرد نمونه‌گیری نظری در تحلیل محتوای متون روش‌شناختی، جستجویی به‌منظور دستیابی به فرآیندی روش‌شناسانه صورت پذیرفته و در راستای تحقق دیالکتیک عام و خاص پژوهش، منابعی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که تمرکزی ویژه بر پژوهش مسئله محور دارند.

مسائل واجد ارزش پژوهش، پیرامون یک موضوع کلی - در اینجا "خاطره جمعی" - تعریف و تعیین می‌گردند. فرآیند انتخاب مسئله واجد ارزش پژوهشی، دربرگیرنده چهار مرحله (نگاه موشکافانه^۱، مطالعه اجمالی^۲، تحلیل^۳ و بازخورد و نتیجه‌گیری^۴) می‌باشد (Ellis & Levy, 2008: 25-27). ابتدا، بر پایه مشاهدات شخصی روزمره، تجارب حرفه‌ای و مواجهه با شرایطی که در آنها وضع موجود با وضع مطلوب فاصله دارد، مبنای اولیه‌ای برای طرح مسائل واجد ارزش پژوهشی شکل می‌گیرد (Kerlinger & Lee, 2000). در گام بعد، انجام مطالعه اجمالی بر روی پیشینه تحقیقاتی مسائل موردتوجه، به‌منظور حصول اطمینان از بدیع بودن و تکراری نبودن مسئله پژوهش ضروری است (Levy & Ellis, 2006). تحلیل ترکیبی مسائل استخراج‌شده از مشاهده و مطالعه اجمالی، به‌منظور شکل‌گیری کلیتی تحلیلی موردنیاز است؛ زیرا دستیابی به یک مسئله واجد ارزش پژوهشی نمی‌تواند با اتکا به یک منبع تأمین شود.

-
1. look
 2. read
 3. synthesize
 4. seek feedback

آخرین مرحله برای دستیابی به مسئله واجد ارزش پژوهشی، جستجوی بازخورد از پژوهشگران مجرب (اساتید راهنما) یا شرکت در مجامع علمی و استخراج موضوعات موردتوجه در زمینه علمی مورد نظر است. در اینجا پس از طی چهار مرحله یادشده، این پرسش مطرح می‌گردد که آیا مسئله، واجد ارزش پژوهشی هست یا خیر. پاسخ مثبت، شکل‌گیری یک مسئله واجد ارزش پژوهشی را با امکان پیشنهاد یک پژوهش علمی در پی دارد و پاسخ منفی، منجر به بازگشت دوباره به مرحله اول یا نگاه موشکافانه مبتنی بر مشاهدات خواهد گردید (Ellis & Levy, 2008: 25-27; Creswell, 2005).

تدوین چارچوب نظری روش‌شناختی: با توجه به مطالعات صورت‌پذیرفته، برای تدقیق موضوع پژوهش در رویکرد مسئله-محور پنج گام کلی دربرگیرنده برشماری مسائل، شناسایی آنها، ارزیابی دومرحله‌ای و تدقیق نهایی موضوع پیشنهاد گردیده است (نمودار ۲). انتخاب مسائل واجد ارزش پژوهشی^۱ بر پایه چهار مرحله نگاه موشکافانه، مطالعه اجمالی، تحلیل و نتیجه‌گیری، در صدر این فرآیند پنج مرحله‌ای است. برشماری مسائل متعدد واجد ارزش پژوهشی، نتیجه مشخص گام نخست می‌باشد. به‌منظور شناخت ژرف‌تر مسائل واجد ارزش پژوهشی احصا شده، شناسنامه‌ای از آنها به‌عنوان گام دوم فرآیند تدقیق موضوع تدوین می‌گردد.

در این شناسنامه‌ها، پرسش کلیدی، پرسش‌های فرعی، مفاهیم، واژگان کلیدی، روش و منابع پژوهش بالقوه مورد اشاره قرار گرفته و بدین ترتیب طرح‌واره‌هایی از پژوهش‌های احتمالی قابل‌تعریف بر روی مسائل احصا شده، ارائه خواهد شد. پس‌از آن، ارزیابی دومرحله‌ای، گام بعدی این فرآیند را تشکیل می‌دهد. ارزیابی و انتخاب دو/سه موضوع برآمده از مسائل بر پایه معیارهای شکل‌گیری یک پژوهش قوام‌یافته و متناسب با اهداف غایی پژوهش دکتری تخصصی گام سوم این فرآیند می‌باشد. ارزیابی مسائل

واجد ارزش پژوهشی و موضوعات بالقوه منتج از آنها بر پایه چهار معیار "شفافیت پرسش تحقیق"، "اصالت و اهمیت پژوهشی"، "افزودن به گستره دانش" و "وابستگی موضوع به پژوهشگر" صورت می‌پذیرد.

این معیارها، مرتبط با اهداف غایی پژوهش دکتری و کلیدی‌ترین مواردی هستند که نامزد دکتری در پیشنهاد پژوهش خود بدان‌ها می‌پردازد. این موضوع، در پرتال دانشگاه‌ها و مراجع علمی معتبر دنیا، به‌عنوان راهنمای تدوین پیشنهاد پژوهش، شیوه درخواست بورسیه و پذیرش در دوره دکتری منعکس شده است، که به‌عنوان نمونه به چهار منبع اشاره می‌شود: (Adelaide Graduate Centre, 2016; FindAPhd, 2017; University of Salford, 2018; California Institute of Integral Studies, 2015).

پس‌ازآن، به‌منظور دستیابی به موضوع تدقیق شده، پرسش‌های اصلی و فرعی هر یک از چالش‌های برگزیده تا این مرحله، به‌صورت دقیق‌تر موردبررسی قرار می‌گیرند و بدین ترتیب گام چهارم، جستجوی کلیدی‌ترین پرسش‌ها از طریق شیوه برقراری ارتباط مفهومی میان مفاهیم و پرسش‌های مندرج می‌باشد. در اینجا، مفاهیم و پرسش‌های واجد بیشترین ارتباط مفهومی با دیگر پرسش‌ها و مفاهیم مندرج در مسائل برگزیده، موردتوجه ویژه قرار خواهند گرفت. سرانجام تدقیق موضوع پژوهش بر پایه پرسش‌ها و مفاهیم کلیدی چالش‌ها و مسائل برگزیده گام نهایی فرآیند خواهد بود.

۲- کاربست مدل روش‌شناختی پیشنهادی: انتخاب مسئله و تدقیق عنوان رساله

دکتری پیرامون موضوع عام "خاطره جمعی"

در این بخش، چارچوب نظری پیشنهادی، که در انتخاب مسئله و تدقیق عنوان رساله دکتری تخصصی شهرسازی در زمینه "خاطره جمعی در شهر" مورد بهره‌برداری قرار گرفته، به صورت عینی‌تر معرفی می‌گردد (حسینی کومله، ۱۳۹۷). یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری تجربه زیسته نگارندگان در تعریف پژوهش بوم‌خاست دکتری، تلاش‌های پیشین صورت‌پذیرفته در زمینه تعریف پژوهش بر مبنای نوشتگان مرتبط می‌باشد. بدین معنا که اتکای صرف به مطالعه نوشتگان علمی وابسته به بسترهای سرزمینی دیگر، موجب شده است که شکافی عمیق میان دنیای پژوهش و جهان واقعی مسائل سرزمینی شکل گیرد. لذا، پس از بررسی نقادانه پژوهش‌های پیشین، شناسایی مسائل واجد ارزش پژوهش پیرامون "خاطره جمعی" در دستور کار قرار گرفته و انتخاب موضوع رساله دکتری در این زمینه بر پایه مدل پیشنهادی این نوشتار صورت‌پذیرفته است.

بر پایه تجارب حرفه‌ای، پژوهش‌های پیشین، مطالعه نوشتگان مرتبط (Halbwachs, 1992; Relph, 1976; Wilson, 2005; Olick, 2006; Misztal, 2003; Misztal, 2009; Hull et al, 1994; Arefi, 1999; پیروز، ۱۳۸۰؛ شایگان، ۱۳۹۳؛ حبیبی، ۱۳۷۸) و مشاهدات روزمره و مستمر در زمینه شهرهای ایرانی، ابتدا یازده مسئله و پس از طی چهار مرحله مورد اشاره (نگاه موشکافانه، مطالعه اجمالی، تحلیل و بازخورد و نتیجه‌گیری)، هفت مسئله "انتقال معنا و تداوم خاطره در شهرهای معاصر"، "برهم‌خوردن تعادل تغییر، تداوم و ثبات و چالش تولید خاطره در شهرهای معاصر"، "چالش پیوند خاطرات جمعی با تجارب زیسته"، "چالش فاصله به‌خاطرآوردندگان با بستر شکل‌گیری خاطرات جمعی"، "خاطره‌زدایی به بهانه دستیابی به خدمات مدرن یا انتفاع اقتصادی"، "تغییر در سبک زندگی، تغییر در مفاهیم و اثرات آن بر خاطرات جمعی شهروندان" و "معارضه‌جویی انسان معاصر ایرانی و از هم گسستگی نظام

معنایی شهر" به‌عنوان مسائل واجد ارزش پژوهش شناسایی گردیده است. جدول ۲، این هفت مسئله و چالش را به همراه فهرستی از موضوعات، پرسش‌ها و مفاهیم کلیدی مرتبط نشان می‌دهد. گام دوم به تدوین شناسنامه‌ای از چالش‌ها و مسائل احصا شده و پژوهش‌های قابل انجام بر روی این چالش‌ها اختصاص دارد. به‌عنوان نمونه، جدول ۳، نمایانگر شناسنامه تدوین شده چالش و مسئله شماره یک (انتقال معنا و تداوم خاطره در شهرهای معاصر) می‌باشد.

جدول ۲- مسائل واجد ارزش پژوهش پیرامون "خاطره جمعی" در شهر ایرانی و موضوعات زمینه‌ساز پرسش‌ها و مفاهیم کلیدی مرتبط

مسائل واجد ارزش پژوهشی	موضوعات زمینه‌ساز پرسش‌های تحقیق	مفاهیم کلیدی تحقیق
انتقال معنا و تداوم خاطره در شهر معاصر	شیوه‌های انتقال معانی و خاطرات در شهر سنتی و معاصر، حفاظت و بازتولید/تخریب و بازنمایی، بازنمایی خاطرات پس از تهی شدن مکان از رویدادهای خاطره‌انگیز، بازنمایی خاطرات پس از جابجایی جمعیتی (چه؟ چگونه؟ برای که؟)، تداوم و انقطاع در انتقال معانی و خاطرات	انتقال معنا و خاطره، نشانه‌شناسی
عدم تعادل تغییر، تداوم و ثبات: چالش‌های تولید خاطره در شهر معاصر	حفظ روح شهر به‌رغم تغییر و پویایی، جایگاه خاطره جمعی در تعیین آستانه بهینه تغییر و تداوم، چالش تولید خاطره در شهر مدرن، چالش مدیریت تغییر در شهر مدرن، خاطره جمعی و ثبات مفهوم شهر، خاطره جمعی و برنامه‌ریزی تغییر و تداوم در شهر، پیامدهای شهر بی خاطره	تغییر و تداوم، روح و مفهوم شهر (Genius Loci)، پدیدارشناسی
عدم پیوند خاطرات جمعی با تجارب زیسته شهر	معاصرسازی عناصر خاطره‌انگیز، بهره‌برداری مجدد از بنا با توجه به ویژگی‌های کالبدی و زمینه استقرار بنا، پویایی خاطرات و پیوند آن با تجارب زیسته، هم‌پیوندی خاطرات و تجارب زیسته شهر و نقش آن در حفظ مفهوم شهر، توجه به همه حواس انسانی در فرآیند بازنمایی و حفاظت از خاطرات جمعی	پیوند با تجارب زیسته به‌جای نگاه موزه‌ای، پیوند با همه حواس به‌جای نگاه باصره‌محور

<p>جابه‌جایی‌های گسترده جمعیتی، اقتصاد سیاسی فضا و خاطرات جمعی</p>	<p>جابجایی جمعیتی، فاصله به‌خاطرآوردندگان با خاطرات، زندگی و خاطرات ساکنان جدید و خاطرات ساکنان اولیه، مشابهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی ساکنان بومی و جدید و ارتباط آن با حفظ عناصر خاطره‌انگیز، شیوه‌های مواجهه با خاطرات جمعی در شرایط تغییر مداوم ترکیب جمعیتی، مراقبت از خاطرات جمعی گذشتگان در عین تأمین نیازهای اولیه ساکنان جدید، ایجاد پیوند میان خاطرات جمعی ساکنان مهاجرت کرده با تجارب زنده بهره‌برداران جدید، چالش بازنمایی خاطرات جمعی پس از جابجایی گسترده جمعیتی</p>	<p>فاصله به‌خاطرآوردندگان با خاطرات</p>
<p>ارزش خاطرات جمعی در دوران سنتی و معاصر، انتخاب میان خاطرات و خدمات مدرن/انتفاع اقتصادی</p>	<p>کلیدی‌ترین عوامل خاطره‌زدایی از شهر ایرانی، تأمین خدمات مدرن/انتفاع اقتصادی و خاطره‌زدایی از شهر، ارزش خاطرات جمعی در دوران سنتی و معاصر، مواجهه با مدرنیته و جایگاه آن در جایگزینی خاطرات با خدمات مدرن/ انتفاع اقتصادی، امکان ایجاد تعادل میان خاطرات و خدمات مدرن/منافع اقتصادی</p>	<p>خاطره زدایی به بهانه دستیابی به خدمات مدرن و انتفاع اقتصادی</p>
<p>تغییر سبک زندگی، مفاهیم معماری و فضاهای شهری و خاطرات وابسته به آنها</p>	<p>تغییر سبک زندگی، مفهوم عناصر معماری و فضاهای شهری و ادراک آنها در دوران معاصر، تغییر سبک زندگی و حذف خاطرات جمعی، مدیریت خاطره جمعی شهروندان و تغییر سبک زندگی در دوران فناوری اطلاعات، آستانه تعادل تغییر در سبک زندگی و تغییر مفاهیم شهر و شاخصه‌های دخیل در تعیین این آستانه</p>	<p>تغییر در سبک زندگی و مفاهیم و تأثیرات آن بر خاطرات جمعی شهروندان</p>
<p>مواجهه با دنیای مدرن و گسست در انتقال معانی و خاطرات</p>	<p>مواجهه با مدرنیته و آهنگ تغییر شهر ایرانی، تجدد و گسست در انتقال معنا و خاطره در شهر ایرانی، تجدد و پیوند آن با شاخصه‌های فرهنگی و بومی، امکان ایجاد پیوند میان خاطره جمعی و ارزش‌های دوران مدرن، حفظ روح شهر با ایجاد تعادل در تغییر و تداوم در انتقال معنا و خاطره در دوران معارضه‌جویی معاصر</p>	<p>معارضه‌جویی معاصر و ازهم‌گسسته شدن نظام معنایی شهر</p>

جدول ۳- شناسنامه چالش شماره یک (انتقال معنا و تداوم خاطره در شهرهای معاصر)

عنوان: انتقال معنا و تداوم خاطره در شهر سنتی و معاصر
پرسش کلیدی تحقیق: چه تفاوتی در انتقال معانی انضمامی و خاطرات جمعی در شهرهای سنتی و مدرن در طول زمان وجود دارد؟
پرسش‌های فرعی: <ul style="list-style-type: none"> ❖ شیوه‌های انتقال معانی و خاطرات جمعی در شهرهای سنتی چیست؟ ❖ نمایش و تجسم خارجی معانی، درون‌مایه‌ها و خاطرات شخصی و اجتماعی افراد در این شهرها چگونه صورت می‌پذیرد؟ ❖ "حفاظت و بازتولید" یا "تخریب و بازنمایی" کدام شیوه در کدام یک از دو دسته شهرهای سنتی و معاصر شیوه رایج و غالب هستند؟ ❖ شیوه‌های انتقال و بازنمایی خاطرات جمعی در شهرهای معاصر چگونه است؟ ❖ مکانیسم بازنمایی خاطرات به گونه‌ای که تداعی‌کننده خاطرات، حس مکان و مفهوم مکان و ... باشد چیست؟ ❖ وقتی مکان از رویدادهای خاطره‌انگیز تهی شده باشد، چه چیز و چگونه بازنمایی شود؟ ❖ در محلات تاریخی پس از مهاجرت ساکنان و تخریب گسترده چگونه می‌توان مکانی آفرید که بیانگر روح محله باشد؟ چه، چگونه و برای که بازنمایی شود؟
اهداف تحقیق: <ul style="list-style-type: none"> ❖ دستیابی به شیوه‌های مواجهه با معنا زدایی و خاطره‌زدایی معاصر در شهرها ❖ مدل‌سازی شیوه‌های بازنمایی خاطرات جمعی پس از شناخت مکانیسم تداعی خاطرات
پیش پاسخ: تفاوت میان شهر سنتی و مدرن، تفاوت میان تداوم و انقطاع در انتقال معانی و خاطرات می‌باشد. در شهر سنتی عناصر حامل خاطره و معنا، مدام در حال بازتولید هستند، اما در شهر مدرن فرآیند بازسازی از طریق تخریب آثار مربوط به گذشته انجام و احیاء خاطره از طریق بازنمایی آن پیگیری می‌شود.
مفاهیم و واژگان کلیدی تحقیق: خاطره جمعی (Collective Memory)، تداوم (Continuity)، انقطاع (Discontinuity)، حفاظت (Preservation)، بازتولید (Reproduction)، تداعی (Association)، بازنمایی (Representation)، حس مکان (Sense of Place)
روش تحقیق: روش کیفی (رویکرد پدیدارشناسانه، تئوری داده‌بنیاد)

منابع:

- ۱- احمدی، بابک (۱۳۷۱)، از نشانه‌های تصویری تا متن، تهران، نشر مرکز
- ۲- پیروز، پوریا (۱۳۸۰)، باززنده‌سازی مرکز کلان‌شهرها؛ پروژه‌ای فرهنگی، تجربه شیکاگو، در: مدیریت شهری شماره ۸، ۷۸-۸۴
- ۳- حسابرسی سینی کومله، مصطفی (۱۳۸۸)، مدیریت خاطره جمعی به کمک طراحی شهری: نمونه موردی ناحیه تاریخی لاهیجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی
- ۴- ساسانی، فرهاد، (۱۳۸۲)، نشانه‌شناسی چندبعدی در هنر، فصلنامه خیال، فرهنگستان هنر، شماره ۶، ۹۰-۱۰۱
- ۵- سجودی، فرزانه (۱۳۸۲)، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران، نشر قصه
- ۶- صفوی، کوروش (۱۳۸۳) شکل‌گیری نشانه‌ها، در: مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر (جلد اول)، گردآوری فرزانه سجودی
- 7- Boyer, M. C. (1994), *the City of Collective Memory: its Historical Imagery and Architectural entertainments*, Cambridge, Mass: the MIT Press
- 8- Chandler, D (1996), *Semiotics for Beginners*, University of Wales, Aberystwyth (online version), <http://www.aber.ac.uk/media/Documents/S4B/semiotic.html>
- 9- Crystal, D (1987), *the Cambridge Encyclopedia of Language*, Cambridge University Press, Cambridge, UK
- 10- Halbwachs M (1980[1950]). *The Collective Memory*. translated by Francis JD JV, Vid YP, Harper & Row Colophon Books, New York, USA
- 11- Misztal B. A (2009). *Collective Memory in a Global Age: Learning How and What to Remember*. In: *Current Sociology*, Vol 58 (1), pp.2-22
- 12- Peirce, C. S; Hartshorne, C (Ed), Weiss, P (Ed) (1932), *Collected Papers of Charles Sanders Peirce, Vol 1&2: "Principles of Philosophy and Elements of Logic"*, Belknap Press of Harvard University Press, Cambridge, Massachusetts, USA
- 13- Wilson R (2005). *Collective Memory, Group Minds and the Extended Mind* Thesis. <http://www.arts.ualberta.ca/~raw/collectmem.pdf>

سومین گام، ارزیابی مسائل و انتخاب دو یا سه موضوع از میان آنهاست، که بر پایه معیارهای چهارگانه دستیابی به پژوهش دکتری قوام‌یافته (مندرج در بخش چارچوب نظری) صورت می‌پذیرد. هر یک از معیارها به زیرمعیارهایی طبقه‌بندی

فرآیند تدقیق عنوان پژوهش مسئله-محور و بوم-خاست... ۵۷

شده‌اند و این مسئله مبنای امتیازبندی و ارزیابی موضوعات را به شرح زیر فراهم آورده است:

- ۱- شفافیت پرسش تحقیق (۲۵ امتیاز)
- ۱-۱- آیا به‌روشنی مشخص است که مسئله پژوهش چیست؟ (۵ امتیاز)
- ۲-۱- آیا سؤالات، ویژگی‌ها و انتظارات موردنیاز یک پژوهش علمی را فراهم می‌کنند؟ (۵ امتیاز)
- ۱-۳- آیا سؤالات به شکلی شفاف و متناسب تنظیم شده است؟ (۵ امتیاز)
- ۱-۴- آیا اهداف به‌خوبی و روشنی مشخص هستند؟ (۵ امتیاز)
- ۱-۵- آیا سؤال پایه نظری مناسبی دارد؟ (۵ امتیاز)
- ۲- اصالت و اهمیت پژوهش (۲۵ امتیاز)
- ۲-۱- جایگاه موضوع نسبت به دیگر پژوهش‌ها تا چه میزان روشن است؟ (۸ امتیاز)
- ۲-۲- آیا موضوع اصالت دارد؟ (۸ امتیاز)
- ۲-۳- موضوع تا چه میزان دارای اهمیت و ارزش سرزمینی است؟ (۹ امتیاز)
- ۳- افزودن به گستره دانش (۲۵ امتیاز)
- ۳-۱- آیا موضوع مرتبط با شاخه پژوهشی دوره دکتری می‌باشد؟ (۶ امتیاز)
- ۳-۲- آیا موضوع در زمینه پژوهشی مورد نظر مسئله مهمی تلقی می‌شود؟ (۶ امتیاز)
- ۳-۳- پرداختن به موضوع، تا چه اندازه می‌تواند به گستره دانش بیفزاید؟ (۷ امتیاز)
- ۳-۴- آیا موضوع، نیازهای مهمی را در دوران حاضر تحت پوشش قرار می‌دهد؟ (۶ امتیاز)
- ۴- وابستگی موضوع به پژوهشگر (۲۵ امتیاز)

۴-۱- تا چه میزان، موضوع با پژوهش‌های پیشین پژوهشگر مرتبط است؟ (۸ امتیاز)

۴-۲- تا چه اندازه موضوع با علایق شخصی و شخصیت پژوهشگر ارتباط برقرار می‌کند؟ (۹ امتیاز)

۴-۳- آیا انگیزه و توانایی انجام پژوهش توسط پژوهشگر به اندازه کافی وجود دارد؟ (۸ امتیاز)

در این مرحله، ارزیابی مسائل با امتیازدهی به زیرمعیارهای هر یک از این معیارهای چهارگانه به انجام می‌رسد. در اینجا برای جلوگیری از تطویل نوشتار از درج جداگانه جداول ارزیابی بر پایه معیارهای چهارگانه صرف‌نظر گردیده و صرفاً به ارائه ارزیابی نهایی مسائل (جدول ۴) بسنده می‌گردد. ذکر این نکته ضروری است که همچون ارزیابی صورت پذیرفته در مرحله انتخاب و برشماری مسائل واجد ارزش پژوهش، در مرحله ارزیابی و انتخاب مسائل از میان فهرست اولیه نیز ارزیابی چهار مرحله‌ای (نگاه موشکافانه، مطالعه اجمالی، تحلیل ترکیبی و نتیجه‌گیری و بازخورد) به کارآمده است. به دیگر سخن می‌توان گفت که به‌منظور ارزیابی و امتیازدهی به زیرمعیارهای معیارهای چهارگانه فوق، نگاه موشکافانه و تحلیل میزان شکاف وضع موجود و وضع مطلوب، مطالعه اجمالی متون نظری اثرگذار و پژوهش‌های مرتبط، تحلیل ترکیبی و دریافت بازخورد از اساتید راهنما مورد استفاده قرار گرفته است.

با این حال مطالعه دقیق‌تر شیوه‌های ارزیابی چالش‌ها و مسائل و شیوه امتیازدهی کمی به آنها از دایره این بحث به‌عنوان یک پژوهش آغازین در زمینه روش‌شناسی انتخاب موضوع رساله دکتری در دانش‌های میان‌رشته‌ای خارج بوده و خود می‌تواند مبنای شکل‌گیری پژوهشی مستقل باشد. مسائل شماره یک (انتقال معنا و تداوم خاطره در شهر معاصر)، شماره دو (عدم تعادل تغییر، تداوم و ثبات: چالش‌های تولید خاطره در شهر معاصر) و شماره هفت (معارضه‌جویی معاصر و از هم گسستگی نظام معنایی شهر) بر پایه ارزیابی صورت گرفته انتخاب گردیده‌اند.

در گام چهارم، کلیدی‌ترین پرسش‌ها با استفاده از شیوه برقراری ارتباط مفهومی میان پرسش‌ها و مفاهیم مندرج در مسائل منتخب، برگزیده شده و به‌عنوان مبنایی برای تدقیق نهایی موضوع در نظر گرفته می‌شوند. ارزیابی در این شیوه کیفی و محتوایی و ویژگی آن، توجه به پرسش‌ها و مفاهیم کلیدی مندرج در مسائل و چالش‌های منتخب در ارزیابی اولیه می‌باشد (نمودار ۳). بدین ترتیب چالش‌های شماره دو (عدم تعادل تغییر، تداوم و ثبات: چالش‌های تولید خاطره در شهر معاصر) و هفت (معارضه‌جویی معاصر و ازهم‌گسستگی نظام معنایی شهر) و دو مفهوم کلیدی "حفظ روح شهر از طریق ایجاد تعادل در تغییر و تداوم در انتقال معانی و خاطرات در شرایط معارضه‌جویی معاصر" و "جایگاه خاطرات در تعیین آستانه بهینه تغییر و تداوم"، از چالش‌های شماره هفت و دو و همچنین "تداوم و انقطاع در انتقال معانی و خاطرات" از چالش شماره یک به علت بیشترین ارتباط و هم‌پوشانی با مفاهیم و پرسش‌های دیگر می‌توانند در ترکیب با هم به تدقیق موضوع رساله کمک کنند.

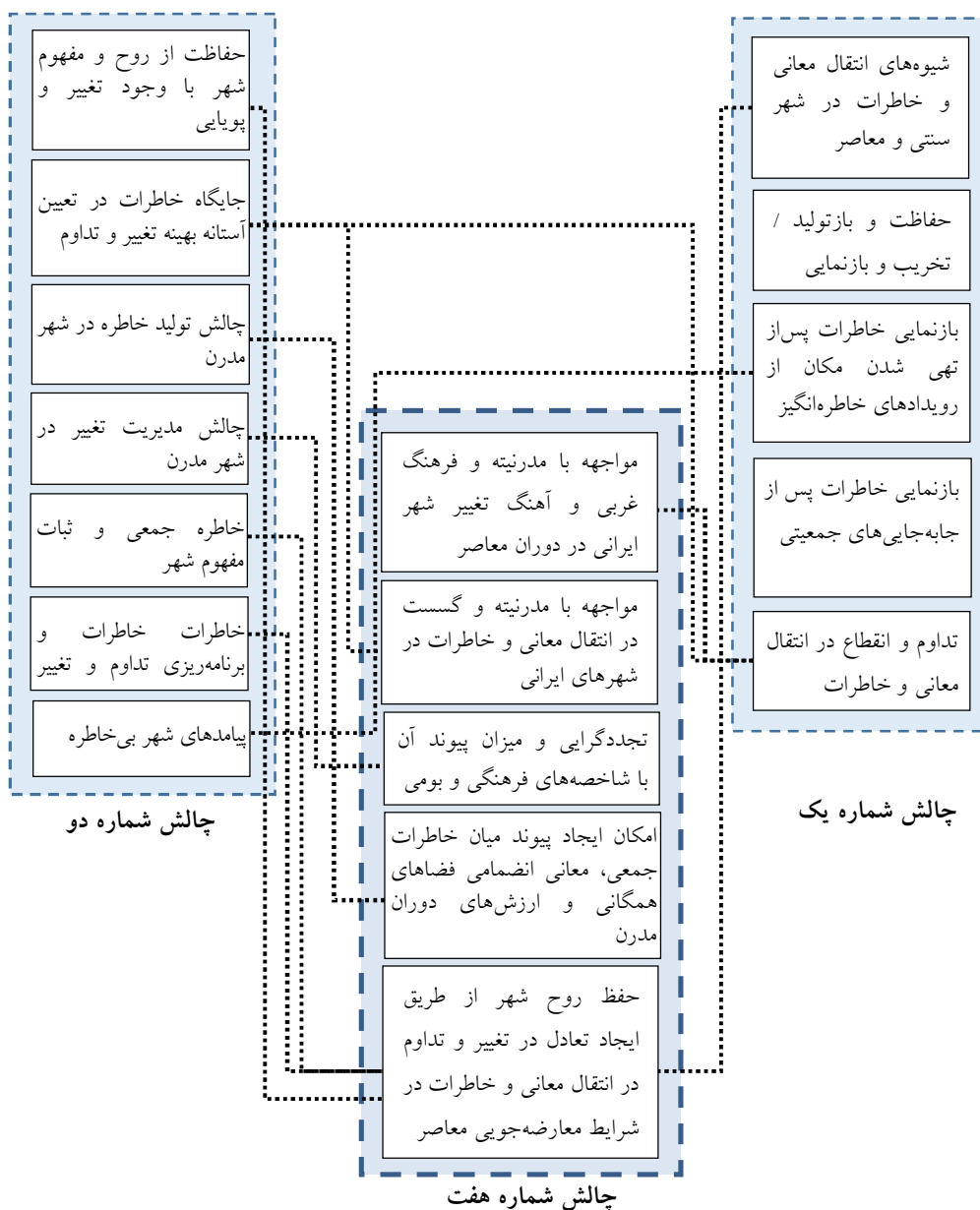
جدول ۴- ارزیابی نهایی مسائل و چالش‌ها

جمع امتیاز	معیارهای ارزیابی				موضوعات، مفاهیم و پرسش‌های تحقیق	مسائل / چالش‌ها
	وابستگی موضوع به پژوهشگر	افزودن به گستره دانش	اصالت و اهمیت پژوهش	شفافیت پرسش تحقیق		
۹۵,۵	۲۳,۵	۲۳	۲۴,۵	۲۴,۵	شیوه‌های انتقال معانی و خاطرات در شهر سنتی و معاصر، حفاظت و بازتولید/ تخریب و بازنمایی، بازنمایی خاطرات پس از تهی شدن مکان‌از رویدادهای خاطره‌انگیز، بازنمایی خاطرات پس از جابجایی جمعیتی (چه؟ چگونه؟ برای که؟)، تداوم و انقطاع در انتقال معانی و خاطرات	انتقال معنا و تداوم خاطره در شهر معاصر

جمع امتیاز	معیارهای ارزیابی				موضوعات، مفاهیم و پرسش‌های تحقیق	مسائل / چالش‌ها
	وابستگی موضوع به پژوهشگر	افزودن به گستره دانش	اصالت و اهمیت پژوهش	شفافیت پرسش تحقیق		
۹۶,۵	۲۳,۵	۲۴	۲۴	۲۵	حفظ روح شهر به‌رغم تغییر و پویایی، جایگاه خاطره جمعی در تعیین آستانه بهینه تغییر و تداوم، چالش تولید خاطره در شهر مدرن، چالش مدیریت تغییر در شهر مدرن، خاطره جمعی و ثبات مفهوم شهر، خاطره جمعی و برنامه‌ریزی تغییر و تداوم در شهر، پیامدهای شهری خاطره	عدم تعادل تغییر، تداوم و ثبات: چالش تولید خاطره در شهر معاصر
۹۰,۵	۱۹,۵	۲۳,۵	۲۳	۲۴,۵	معاصر سازی عناصر خاطره‌انگیز، بهره‌برداری مجدد از بنا با توجه به ویژگی‌های کالبدی و زمینه‌ای، پویایی خاطرات و پیوندشان با تجارب زیسته، هم‌پیوندی خاطرات و تجارب زیسته شهر و نقش آن در حفظ مفهوم شهر، توجه به همه حواس انسانی در فرآیند بازنمایی و حفاظت خاطرات جمعی	عدم پیوند خاطرات جمعی با تجارب زیسته شهر

جمع امتیاز	معیارهای ارزیابی				موضوعات، مفاهیم و پرسش های تحقیق	مسائل / چالش ها
	وابستگی موضوع به پژوهشگر	افزودن به گستره دانش	اصالت و اهمیت پژوهش	شفافیت پرسش تحقیق		
۸۶	۱۹	۲۱	۲۳	۲۳	جابجایی جمعیتی، فاصله به خاطر آورانندگان با خاطرات، زندگی و خاطرات ساکنان جدید و خاطرات ساکنان اولیه، شباهت و تفاوت فرهنگی ساکنان بومی و جدید و ارتباط آن با حفظ عناصر خاطره انگیز، شیوه های مواجهه با خاطرات جمعی در شرایط تغییر مداوم ترکیب جمعیتی، مراقبت از خاطرات جمعی گذشتگان در عین تأمین نیازهای اولیه ساکنان جدید، ایجاد پیوند میان خاطرات جمعی ساکنان مهاجرت کرده با تجارب زنده بهره برداران جدید، چالش بازنمایی خاطرات جمعی پس از جابجایی گسترده جمعیتی	فاصله به خاطر آورانندگان با خاطرات
۷۲,۵	۱۵	۱۹	۲۰,۵	۱۸	کلیدی ترین عوامل خاطره زدایی از شهر ایرانی، تأمین خدمات مدرن/انتفاع اقتصادی و خاطره زدایی از شهر، ارزش خاطرات جمعی در دوران سنتی و معاصر، مواجهه با مدرنیته و جایگاه آن در جایگزینی خاطرات با خدمات	خاطره زدایی به بهانه دستیابی به خدمات مدرن و انتفاع اقتصادی

جمع امتیاز	معیارهای ارزیابی				موضوعات، مفاهیم و پرسش‌های تحقیق	مسائل / چالش‌ها
	وابستگی موضوع به پژوهشگر	افزودن به گستره دانش	اصالت و اهمیت پژوهش	شفافیت پرسش تحقیق		
					مدرن/انتفاع اقتصادی، امکان ایجاد تعادل میان خاطرات و خدمات مدرن/منافع اقتصادی	
۸۵	۲۱	۲۲,۵	۲۲	۱۹,۵	تغییر سبک زندگی، مفهوم عناصر معماری و فضاهای شهری و ادراک آنها در دوران معاصر، تغییر سبک زندگی و حذف خاطرات جمعی، مدیریت خاطره جمعی شهروندان و تغییر سبک زندگی در دوران فناوری اطلاعات، آستانه تعادل تغییر در سبک زندگی و مفاهیم شهر و شاخص‌های دخیل در تعیین این آستانه	تغییر سبک زندگی و مفاهیم و تأثیر آن بر خاطرات جمعی
۹۲,۵	۲۲	۲۳,۵	۲۴,۵	۲۲,۵	مواجهه با مدرنیته و آهنگ تغییر شهر ایرانی، تجدد و گسست در انتقال معنا و خاطره در شهر ایرانی، تجدد و پیوند آن با شاخصه‌های فرهنگی و بومی، امکان ایجاد پیوند میان خاطره جمعی و ارزش‌های دوران مدرن، حفظ روح شهر با ایجاد تعادل در تغییر و تداوم در انتقال معنا و خاطره در دوران معارضه‌جویی معاصر	معارضه‌جویی معاصر و از هم گسسته شدن نظام معنایی شهر



نمودار ۳- ارزیابی چالش‌های سه‌گانه منتخب بر پایه شیوه برقراری ارتباط مفهومی میان پرسش‌ها و

مفاهیم کلیدی

گام پنجم به ترکیب نهایی پرسش‌ها، مفاهیم و چالش‌های برگزیده به‌منظور تدقیق نهایی عنوان پژوهش اختصاص دارد. در این گام، پس از مرور مجدد مفاهیم و مطالعه انکشافی در نوشتگان مرتبط و همچنین مطالعه اجمالی روش‌شناختی، موضوع نهایی تعیین و تدقیق شده است. درنگ دوباره به‌منظور تدوین پرسش‌های کلیدی و پرسش‌های عام و خاص ثانویه پژوهش و مطالعه ژرف‌تر بر روی نوشتگان مرتبط و روش پژوهش، در یک فرآیند رفت و برگشتی، منجر به انتخاب موضوع نهایی و تدوین پیشنهاد پژوهش بر روی موضوع یادشده گردیده است. در این نمونه موردی مشخص، پس از مطالعه دقیق بر روی چالش‌ها و مفاهیم برگزیده و سنتز نهایی مفاهیم، عنوان "رهیافتی نظری به نقش خاطره جمعی در تعیین آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی در شهر (مطالعه موردی: مرکز تاریخی تهران)" پیشنهاد گردیده است (جدول ۵).

جدول ۵- گام نهایی فرآیند انتخاب موضوع: تدقیق عنوان بر پایه چالش‌ها، مسائل، پرسش‌ها و

مفاهیم کلیدی برگزیده

چالش‌ها و مسائل برگزیده	مفاهیم کلیدی و پرسش‌های برگزیده	عنوان تدقیق شده
<ul style="list-style-type: none"> ❖ مدیریت تغییر و نیاز به تداوم و ثبات: چالش‌های تولید خاطره در شهر مدرن ❖ معارضه‌جویی معاصر و خاطرات جمعی در شهر 	<ul style="list-style-type: none"> ❖ حفظ روح شهر از طریق ایجاد تعادل در تغییر و تداوم در انتقال معانی و خاطرات در شرایط معارضه‌جویی معاصر ❖ جایگاه خاطرات در تعیین آستانه بهینه تغییر و تداوم 	رهیافتی نظری به نقش خاطره جمعی در تعیین آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی در شهر (مطالعه موردی: مرکز تاریخی تهران)

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، با هدف پاسخ به نیاز نامزدهای دکتری و سایر پژوهشگران، به پژوهش در زمینه انتخاب روش‌مند موضوع رساله دکتری تخصصی و تدقیق عنوان پژوهش در حوزه‌های دانشی میان‌رشته‌ای با اتخاذ رویکرد مسئله‌محور و با رعایت دیالکتیک عام و خاص پژوهش پرداخته شده است. پایه شکل‌گیری این پژوهش، یک تجربه زیسته مشخص در تلاش برای انتخاب موضوع رساله دکتری شهرسازی پیرامون "خاطره جمعی در شهر" بوده است. به‌رغم سوابق پژوهشی پیشین در زمینه خاطره جمعی شهروندان (حسینی کومله، ۱۳۸۸؛ حسینی کومله و ستوده علمباز، ۱۳۹۲؛ Hosseini Koumleh & Sotoudeh Alambaz, 2009)، با آغاز دوره دکتری تخصصی و برقراری ارتباط میان نامزد دکتری و اساتید راهنما در زمینه انتخاب موضوع رساله، ضرورت رعایت دیالکتیک عام و خاص پژوهش و لزوم اتکای پژوهش به چالش‌های واقعی قابل مشاهده در بستر سرزمینی ایران از جدیتی بیش‌ازپیش برخوردار شد و این پرسش اساسی مطرح گردید که اساساً اتکای به نظریات تدوین‌شده در شرایط سرزمینی مغرب‌زمین تا چه اندازه می‌تواند راهگشای نظریه‌پردازی در بستر سرزمینی فرهنگی ایران باشد و تا چه حد، مسائل و پرسش‌های شکل‌گرفته بر پایه خلأ موجود در پیشینه علمی و نظریات فرا سرزمینی می‌تواند از اصالت بومی برخوردار بوده و نوعاً چه تعلقی به پژوهشگر ایرانی دارد. این مسئله انگیزه‌ای برای جستجوی مبنایی روش‌مند در زمینه شناسایی مسائل واجد ارزش پژوهش در شرایط سرزمینی شهرها و سکونتگاه‌های ایران و انتخاب موضوع بر پایه یک پژوهش مسئله-محور با احترام به اصالت بومی و سرزمینی پژوهش گردید.

مدل نهایی پیشنهادی در این پژوهش مبتنی بر فرآیندی پنج مرحله‌ای و دربرگیرنده "شناسایی و برشماری چالش‌ها و مسائل واجد ارزش پژوهش" بر مبنای چهار گام نگاه موشکافانه، مطالعه اجمالی، تحلیل و جستجوی بازخورد و نتیجه‌گیری،

"تهیه و تدوین شناسنامه چالش‌ها و مسائل و ترسیم طرح‌واره پژوهش قابل انجام بر روی آنها"، "ارزیابی و انتخاب دو یا سه مسئله بر پایه معیارهای چهارگانه شفافیت پرسش تحقیق، اصالت و اهمیت پژوهش، افزودن به گستره دانش و وابستگی موضوع به پژوهشگر"، "جستجوی کلیدی‌ترین پرسش‌ها و مفاهیم از طریق شیوه برقراری ارتباط مفهومی" و "تحلیل ترکیبی و تدقیق نهایی موضوع" می‌باشد.

در این چارچوب روش‌شناختی، پژوهشگر ابتدا با بهره‌گیری از مشاهدات عینی و تجربیات حرفه‌ای و پژوهشی پیشین خود پیرامون یک موضوع عام (در این مطالعه موردی، خاطره جمعی)، اقدام به شناسایی اولیه چالش‌ها و مسائل بستر سرزمینی خود نموده و پس‌ازآن با مطالعه اجمالی و حصول اطمینان از اصالت مسئله و جایگاه و ارتباط آن با دیگر پژوهش‌های به انجام رسیده، امکان انجام پژوهشی درخور را بررسی نموده و سپس با انجام تحلیلی ترکیبی و دریافت بازخورد از اساتید راهنما و پژوهشگران مجرب، با انجام یک غربالگری چهار مرحله‌ای، مسائل واجد ارزش پژوهش را از آن میان بازمی‌شناسد. پس‌ازآن، مسائل واجد ارزش پژوهش و پژوهش‌های قابل انجام بر روی آنها شناسنامه‌دار شده و طرح‌واره‌های اولیه پژوهشی بر روی آنها تنظیم می‌گردد.

گام بعدی، ارزیابی مسائل بر پایه معیارهای چهارگانه شفافیت پرسش، اصالت پژوهش، افزودن به گستره دانش و وابستگی موضوع به پژوهشگر، با اتخاذ شیوه‌ای کمی در امتیازدهی به مسائل بر پایه معیارهای چهارگانه و زیرمعیارهای آنها می‌باشد. سپس، با شیوه برقراری ارتباط مفهومی میان مفاهیم مندرج در چالش‌های برگزیده، ارزیابی کیفی بر روی دو یا سه مسئله برآمده از ارزیابی اولیه انجام می‌شود. در پایان با انجام یک تحلیل ترکیبی بر روی مفاهیم و پرسش‌های برگزیده و چالش‌های انتخاب شده و همچنین دریافت بازخورد از پژوهشگران مجرب و اساتید راهنما، تدقیق نهایی موضوع و عنوان پژوهش به انجام می‌رسد.

بدین ترتیب، این پژوهش، تا حدی به هدف غایی خود در تعریف یک چارچوب روش‌شناختی برای پژوهش بر پایه چالش‌ها و مسائل واقعی سرزمینی نزدیک شده است. با این وجود، شیوه‌های ارزیابی چالش‌ها و مسائل واجد ارزش پژوهشی و روش‌های کمی و کیفی ارزیابی آنها، از دایره بحث خارج بوده و بنابراین می‌تواند مبنایی برای شکل‌گیری پژوهش‌های آتی در این زمینه و بسط موضوع انتخاب موضوع بر پایه چالش‌ها و مسائل واقعی قابل‌شناسایی در بستر سرزمینی-فرهنگی ایران باشد.

تعارض منافع

در این نوشتار تعارض منافع نویسندگان در فرآیند و محتوای تهیه اثر وجود ندارد.

سپاسگزاری

این پژوهش مرهون نگاه اندیشه‌ورزانه صاحب‌نظرانی چون پرویز پیران، مرتضی فرهادی و زنده‌یاد داریوش شایگان است و نگارندگان به‌واسطه تأثیرپذیری از این اندیشمندان در زمینه توجه به پژوهش بوم-خاست، مراتب قدردانی خود را از آن بزرگان اعلام می‌دارند.

منابع

- پیران، پرویز. (الف ۱۳۸۴)، «حرف‌ها و حدیث شکل‌گیری پژوهش شهرشناسی در ایران»، *اندیشه ایرانشهر*، دوره دوم، شماره ۶: ۸-۲۰.
- پیران، پرویز. (ب ۱۳۸۴)، «نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی ایران: پژوهش شهرشناسی»، *اندیشه ایرانشهر*، دوره دوم، شماره ۶: ۲۲-۳۴.
- پیران، پرویز. (ج ۱۳۸۴)، «نظریه آبادی جانشین نظریه شهر»، *اندیشه ایرانشهر*، دوره دوم، شماره ۶: ۵۶-۹۲.
- پیران، پرویز. (۱۳۹۵)، «حکمت خسروانی: دیالکتیک عام و خاص (سخنرانی در دوازدهمین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی ایرانشهر شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، خانه گفت‌وگو شهر و معماری)»، *روزنامه اعتماد*، شماره ۳۵۶۳، تاریخ ۹/۴/۹۵: ص ۷.
- پیروز، پوریا. (۱۳۸۰)، «باززنده‌سازی مرکز کلانشهرها؛ پروژه‌های فرهنگی، تجربه شیکاگو»، *مدیریت شهری*، شماره ۸: ۷۸-۸۴.
- تکمیل‌همایون، ناصر. (۱۳۸۵)، *آموزش و پرورش در ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۶)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ سیزدهم.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۷۸)، «فضای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطره‌های جمعی»، *صفحه*، دوره نهم، شماره ۲۸: ۱۶-۲۱.
- حسینی میان‌رودی، نسیم؛ ماجدی، حمید؛ زرآبادی، زهرا سادات سعیده و زیاری، یوسفعلی. (۱۳۹۶)، «واکاوی مفهوم خاطره جمعی و بازیابی آن در فضاهای شهری با رویکرد نشانه‌شناسی»، *باغ نظر*، دوره چهاردهم، شماره ۵۶: ۱۷-۳۲.
- حسینی کومله، مصطفی. (۱۳۸۸)، *مدیریت خاطره جمعی به کمک طراحی شهری: نمونه موردی ناحیه تاریخی لاهیجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته طراحی شهری*، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- حسینی کومله، مصطفی و ستوده علمباز، فاطمه. (۱۳۹۲)، «نقش خاطره جمعی در باززنده‌سازی بافت‌های شهری: ارائه راهکار در خصوص ناحیه تاریخی لاهیجان»، *هنرهای زیبا معماری و شهرسازی*، دوره هجدهم، شماره ۴: ۷۰-۷۹.

فرآیند تدقیق عنوان پژوهش مسئله-محور و بوم-خاست... ۶۹

- حسینی کومله، مصطفی. (۱۳۹۷)، پیشنهاد پژوهش رساله دکتری با موضوع «رهیافتی نظری به نقش خاطره جمعی در تعیین آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی در شهر: نمونه موردی مرکز تاریخی تهران»، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.
- حیدری، شاهین. (۱۳۹۴)، درآمدی بر روش تحقیق در معماری، تهران: کتاب فکر نو، چاپ دوم.
- سالمی قمصری، مرتضی. (۱۳۹۸)، *نقد نظریه‌های توسعه‌نیافتگی ایران*، وبگاه «انسان‌شناسی و فرهنگ»، <https://anthropologyandculture.com/>
- شایگان. داریوش (۱۳۹۳)، *بتهای ذهنی و خاطره ازلی*، تهران: نشر فرزانه روز، چاپ نهم.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۸)، «مقایسه سه گذرگاه معرفتی درباره «دانش بومی» در ایران با تأکید بر تحولات مفهومی، ساختی و کارکردی علم»، *مطالعات اجتماعی ایران*، سال سوم، شماره ۱: ۹۷-۱۱۰.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۶)، *دانشگاه ایرانی و مسئله کیفیت: جستارگشایی برای نظام تضمین کیفیت آموزش عالی ایران بر اساس بررسی تطبیقی ۱۶ کشور جهان*، تهران: انتشارات آگاه، چاپ سوم.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۲)، «گلخوشناسی گونه‌ای گل حسرت: جوگاسم (جی‌غال‌اسمک، پیشوک، پیغوک، ...)»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره بیستم، شماره ۶۳: ۱-۳۲.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۳)، «مردم‌نگاری دانش‌ها و فناوری‌های سنتی: «نان شب» مردم‌نگاران ایرانی»، *دانش‌های بومی ایران*، دوره اول، شماره ۲: ۱-۴۹.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۷)، *صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن: انسان‌شناسی توسعه‌نیافتگی و واگیره پیشرفت پایدار و همه‌سویه فرادادی و فتوتی در ایران*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۵)، *پاره‌های انسان‌شناسی*، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- کرسول، جان دبلیو. (۱۳۹۱)، *پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد*، ترجمه: حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: انتشارات صفار-اشراقی، چاپ اول.
- مؤمنی راد، اکبر. (۱۳۹۲)، «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، سال چهارم، شماره ۱۴: ۱۸۷-۲۲۲.
- میرمقتدایی، مهنا. (۱۳۸۸)، «معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی»، *هنرهای زیبا*، شماره ۳۷: ۵-۱۶.

- Adelaide Graduate Centre. (2016). "Admission Research Proposal Template for Higher Degree by Research Applicants". Retrieved from: <https://www.adelaide.edu.au/graduatecentre/forms/admission/docs/admission-research-proposal-template.pdf>
- Arefi, Mahyar. (1999), "Non-place and Placelessness as Narratives of Loss: Rethinking the Notion of Place". *Journal of Urban Design*, 4(2),179-193, DOI: 10.1080/13574809908724445.
- Institute of Integral Studies. (2015). "MA Thesis/ Ph.D. Dissertation Proposal Assessment". Retrieved from: <https://www.ciis.edu/Documents/Thesis-Dissertation%20Proposal%20Assessment.pdf>.
- Clawson, Patrick, and Michael Rubin. (2005). *Eternal Iran: Continuity and Chaos*. New York: Palgrave Macmillan.
- Craig, Robert T. and Karen Tracy. (1995). "Grounded practical theory: The case of intellectual discussion". *Communication Theory*, 5, 248_272.
- Creswell, John W. (2005). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research (2nd ed.)*. Upper Saddle River, NJ: Pearson.
- Ellis, Timothy J. and Yair Levy. (2008). "Framework of Problem-Based Research: A Guide for Novice Researchers on the Development of a Research-Worthy Problem". *Informing Science: the international Journal of an Emerging Transdiscipline*, vol. 11, 17-33, <https://doi.org/10.28945/438>
- Evans, Jennifer. (2007). *Your Psychology Project: The Essential Guide*. London: SAGE Publications
- FindAPhD. (2017). "Writing a Good **Ph.D. Research Proposal**", Retrieved from: <https://www.findaphd.com/advice/finding/writing-phd-research-proposal.aspx>.
- Halbwachs, Maurice. (1992 [1925]). *The Social Frameworks of Memory*. In: *Lewis AC (ed) On collective memory* (translated by Lewis AC), The University of Chicago Press, Chicago, USA.
- Hosseini Koumleh, Mostafa. and Fatemeh Sotoudeh Alambaz. (2009), "Methods and Techniques in Use of Collective Memory for Increasing Sustainability of Urban Environment". *Proceedings of 2nd International conference on whole life urban sustainability and its assessment, Loughborough University*, UK.
- Hull, R. Bruce, Mark Lam, and Gabriela Vigo, (1994). "Place Identity: Symbols of self in the urban fabric". *landscape and urban planning*, 28 (2/3): 109-120.

- Kerlinger, Fred N. and Howard B. Lee. (2000). *Foundations of behavioral research (4th ed.)*. Holt, NY: HarcourtCollege Publishers.
- Lak, Azadeh, and Pantea Hakimian. (2019). "Collective memory and urban regeneration in urban spaces: Reproducing memories in Baharestan Square, city of Tehran, Iran", *City, Culture and Society*, Volume 18, <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2019.100290>.
- Lash, Ayhan A. (1987). "the nature of doctor of philosophy degree: evolving conceptions". *journal of professional nursing*, 3(2), 92-101, [https://doi.org/10.1016/S8755-7223\(87\)80073-X](https://doi.org/10.1016/S8755-7223(87)80073-X).
- Lancaster, L. E. (1982). *A comparison and development of models for the doctor of philosophy in nursing and the doctor of nursing science degrees. A thesis for the degree of Doctor of Philosophy*, Faculty of George Peabody College for Teachers, Vanderbilt University.
- Levy, Yair, and Timothy J. Ellis. (2006). "A systems approach to conduct an effective literature review in support of information systems research". *Informing Science Journal*, 9, 181-212. Retrieved from: <http://inform.nu/Articles/Vol9/V9p181-212Levy99.pdf>.
- Malinski, Violet M. (2004). "Nursing theory-based research: Parse's theory". *Nursing Science Quarterly*, 17(3), 201-207.
- Misztal, Barbara A. (2003). "Durkheim on Collective Memory". *Journal of Classical Sociology*, 3(2), 123-143.
- Misztal, Barbara A. (2009). "Collective Memory in a Global age: Learning How and What to Remember". *Current Sociology*, 58(1), 2-22.
- Olick, Jeffrey K. (2006). "Products, Processes, and Practices: A Non-Reificatory Approach to Collective Memory". *Biblical Theology Bulletin: A Journal of Bible and Theology*, 36 (1), 5-14.
- Prior, Moody E. (1965). "the doctor of philosophy degree". *Graduate education today* (Walters, E. (Ed.)). Washington D.C.: American Council on Education.
- Relf, Edward. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion, UK.
- Sternberg, Robert J. (2007). "The importance of problem-driven research: Bringing Wachtel's argument into the present". *Applied and Preventive Psychology*, 12(1), 37-38
- Tracy, Sarah J. (2007). "Taking the plunge: A contextual approach to problem-based research". *Communication Monographs*, 74(1), 106-111.

- University of Salford. (2018). "Guidance on Writing a Research Proposal". Retrieved from: <https://beta.salford.ac.uk/sites/default/files/2018-10/Writing-a-Research-Proposal-Guidance.pdf>
- Verran, Joyce A. (1997). "The value of theory-driven (rather than problem-driven) research". *Seminars for Nurse Managers*, 5(4), 169-172.
- Wilson, Robert. (2005). "Collective Memory, Group Minds and the Extended Mind Thesis". *Cognitive Processing*, No.6: PP: 227-236.